

حکایت کرمک شب تاب و گوهر شب چراغ

محمد حیدر نژاد

انتشارات فراروان

روان شناسی، فراروان شناسی و عرفان

.....

سرشناسه : حیدر نژاد، معجمده ۱۳۳۷ -
 عنوان و نام پدیدآور : حکایت کریمک شب تاب و گوهر شب چراغ / محمد
 حیدر نژاد. -
 مشخصات نشر : تهران: فراروان، ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.
 شابک : 978-964-2842-02-5
 یادداشت : فیبا
 موضوع : نشر فارسی - قرن ۱۴.
 رده بندی کنگره : PIR ۸۰۳۱ ر۳۸۸ ج۸۵ :
 رده بندی دیویی : ۸۵۳/۶۲ :
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۵-۳۹۲۵۹ :

 ۳۱

حکایت کریمک شب تاب

و گوهر شب چراغ

نوشته ی محمد حیدر نژاد

چاپ اول ۱۳۸۷

شمارگان ۲۰۰۰

لیتوگرافی سورمنگار

چاپ کلام شیدا

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۴۲-۰۲-۵

«حق چاپ و انتشار برای نشر فراروان محفوظ است»

دفتر مرکزی: تهران: تلفن ۶۶۹۲۱۳۷۸ و ۶۶۴۳۷۷۵۳ فکس ۶۶۹۰۰۲۹۹

کتابخانه فراروان: خ ستارخان، پل یادگار، بازار سنتی، فاز ۱، شماره ۱/۱۱۸

تلفن ۱۷-۴۴۴۴۶۷۱۵ فکس ۴۴۴۴۶۷۱۴

E-mail: info@fararavan.com

قیمت ۱۶۰۰ تومان

۰۰۰ در این کتاب ۰۰۰

گفتم، گفت ۹

داستان بُرناباد ۵۷

حکایت کرمک شب تاب و گوهر شب چراغ ۸۳

خدایا این دوست را داغی بنه که هرگز فراموش نشود.
داغی از آن دست که عیسی را نهادی و بی خانمانش کردی و یوسف را نهادی و به
زندانش کردی و یونس را نهادی و به بطن نهنگ جایش دادی و ابراهیم را نهادی
و در آتشش کردی. این دوست گویا آماده می شود تا شیرینی و سوزش داغ تو را
یکجا بجشد. پس او را داغی بنه فراموش ناشدنی، او همتی والا دارد، از مرز سیاه
روز مرگی گذشته و به مرز سرخ خود آگاهی رسیده است. او را عزت بی خانمانی
ببخش و به فقر مفتخرش کن. او را سر آن است که با گوی آتشین عشق تو بازی
کند. او را گوی سوزانی ببخش که نتواند در دست نگاه دارد. پس آن گاه به قلبش
بسپارد و آن گوی تا همیشه درونش را بگدازد. و نیز به او چهره ای خندان
ببخش تا همچنان که می سوزد لبخند بزند و هیچ کس را از سوختن او خبر
نباشد الا تو که خدایی. خدایا او را سعهی صدری عطا کن تا بتواند مخالف ترین
و بی مفهوم ترین استدلال ها را گوش دهد. نیز به او پایی عطا کن فراری و
چرخنده. فراری از ابتذال و چرخنده در چرخ ستایش تو که خدایی. و او را با
تازیانهی خلوص بزن و چشمانش را پریاران بساز، بدان سان که دیگر اولیای
بزرگت را بدین درجه رساندی. آمین یا رب العالمین.